



مردان زرتشتی یزد اوایل قرن بیستم

از این رو هر کس چه دروغ گو باشد و چه راست گو چه دانشمند باشد و چه بی دانش آن چه را که در دلد و سر دارد، بر ملا می کند. به پیروی از این اصل، انسان می تواند در آرامش و با فکر راحت از خود بپرسد: هر کدام از این دو طرز اندیشه مرا به کجا می رساند؟
اهنودگات، یسنا ۳۱، هات ۱۲، گاتها

در صفحات دیگر

۷ گزارش

مهرگان

آذر نورافروز

۶ چکاچک

اندرز نامه ابولهل پانکی

از نامه های رسیده

۵ نوشتار

حافظ چه می گوید؟

بهنام مرادیان

۴ ادب و هنر

دو نگاه موازی (گزارشی از نمایشگاه عکس) الیکا بقایی

۳ مردم

مهاجرت از دیدگاه یک مهاجر (بخش پایانی) د. مهری

بازرس انجمن زرتشتیان تهران:

بنیان مشورت

در انجمن زرتشتیان از بین رفته است



از نیکو کاران مدرسه ساز زرتشتی استان یزد قدردانی شد



آتشکده جدید کرمان طی مراسمی با حضور مردم گشایش یافت



پس از سال ها : جشن مهرگان در خرمشاه یزد برگزار شد

چند خط خبر

برنامه ی معرفی دانشجویان زرتشتی، ورودی سال ۸۱ از سوی کانون دانشجویان زرتشتی ۱۶ آبان ماه برگزار می شود. دانشجویان جدید جهت نام نویسی با تلفن ۶۷۰۶۴۱۹ تماس بگیرند.

انجمن زرتشتیان تهران جشن آبانگان را روز شنبه چهارم آبان ماه در تالار خسروی ساعت ۵ پسین برگزار می کند.

سازمان زنان زرتشتی هر یکشنبه ساعت ۵/۳۰ پسین کلاس اوستا خوانی توسط موبد فیروزگری برگزار می کند. همچنین این سازمان در نظر دارد همایشی برای فروش کارهای دستی نوجوانان از سن ۱۲ تا ۲۵ سال را سه شنبه ۳۰ مهرماه در خانه ی نرگس برگزار کند. دستداران می توانند برای آگاهی بیشتر با شماره تلفن ۶۷۰۶۴۱۹ تماس بگیرند

بنیاد فرهنگی جمشید با همکاری فریبا سلامتی اقدام به برگزاری کلاس های عروسک سازی کرده است. دستداران می توانند برای آگاهی بیشتر با شماره تلفن ۸۸۲۵۲۱۲ تماس بگیرند

مسابقه ی داستان نویسی به یاد صادق هدایت با داوری امیرحسین چهل تن، شهریار مندنی پور، منیرو روانی پور و ناهید طباطبایی برگزار می شود. علاقمندان به شرکت در این مسابقه می توانند با تلفن ۲۵۵۶۶۰۷ تماس بگیرند و یا به پایگاه www.sokhan.com مراجعه کنند

دومین مسابقه ی بین المللی کاریکاتور گل آقا در سه بخش «راه»، «سفر» و «آزاد» برگزار می شود. علاقمندان می توانند تا پایان آذرماه ۱۳۸۱ آثار خود را در موضوعات مورد نظر به دبیرخانه ی این مسابقه، به نشانی صندوق پستی ۱۹۳۳۶/۴۹۳۶ تهران - ایران بفرستند.

مرکز آفرینش های ادبی پنجشنبه آخر هر ماه برنامه های موسیقی محلی استان ها را ساعت ۵ پسین برگزار می کند، محل برگزاری این برنامه واقع در تقاطع حافظ و سمیه، روبروی دانشگاه امیرکبیر است. تلفن ۸۹۵۴۸۶۶ پاسخگوی علاقمندان به این برنامه است.

از نیکوکاران مدرسه ساز استان یزد قدردانی شد

درست از این مدارس تاکید کرد. وی با اشاره به در دستور کار قرار گرفتن لایحه ی تسوی دیه ی اقلیت های مذهبی در مجلس افزود: رای نمایندگان اقلیت های مذهبی را رای سایر نمایندگان مجلس برابر بوده و هیچ تفاوتی نمی کند. کوروش سپهری نیز که به نمایندگی از سوی رستم آبادیان، رئیس انجمن زرتشتیان تهران در این همایش حضور داشت، در سخنان خود از برگزاری هفتادمین سالگرد تاسیس دبیرستان فیروزبهرام در دی ماه امسال خبر داد.

خبرنگار امرداد از یزد می افزاید: مدرسه ی راهنمایی مارکار یزد به علت خرابی ساختمان از - سال پیش، توسط اداره ی آموزش و پرورش استان یزد تعطیل شده است. این در حالی است که این مدرسه سال ها به طور رایگان در اختیار آموزش و پرورش قرار داشته است.

نخستین همایش قدردانی از نیکوکاران مدرسه ساز زرتشتی استان یزد در روز چهارشنبه هفدهم مهرماه در دبیرستان مارکار یزد برگزار شد.

در این همایش که توسط سازمان آموزش و پرورش استان یزد و موسسه ی خیریه ی مدرسه - سازان استان یزد برگزار شد نمایندگانی از استانداری یزد، شورای شهر یزد، فرمانداری یزد، آموزش و پرورش کشور و انجمن زرتشتیان تهران و محله های زرتشتی نشین یزد حضور داشتند. در این همایش شهسواری، رئیس سازمان آموزش و پرورش استان یزد و افشانی معاون وزیر آموزش و پرورش و یکی از نیکوکاران مدرسه ساز به سخنرانی پرداختند.

خسرو دبستانی نماینده ی زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی نیز در سخنان خود بر نگهداری -

کودکان زرتشتی هفته ی کودک را جشن گرفتند



بازی هایی چون سفالگری و سرگرمی هایی چون نقاشی نیز شرکت کردند و صبح پنجشنبه نیز در حوزه ی هنری به تماشای تئاتر نشستند.

گفتنی است در بعد از ظهر همین روز گروهی با حضور دکتر مهرداد روئین تن در مورد تعلیم و تربیت و آموزش پیش دبستانی در مهد پرورش برگزار شد که والدین بچه ها از این گرد همایی استقبال چندانی نکردند.

دکتر روئین تن با توجه به این موضوع گفت: زمانی یک مهد کودک یا مرکز آموزشی می تواند نقش مهمی در تعلیم و تربیت و

کودکان مهد کودک پرورش هفته ی گذشته با حضور در مراکز فرهنگی و هنری، هفته ی کودک را جشن گرفتند.

به گزارش خبرنگار امرداد این کودکان یکشنبه ی هفته ی پیش به شاهورهم ایزد رفتند و در روز سه شنبه با رفتن به انجمن زرتشتیان تهران برای قدردانی، از تمام قسمت های انجمن با - راهنمایی دبیر انجمن دیدن کردند و هدایایی نیز به آنها اهدا شد.

این گزارش می افزاید: این کودکان روز چهارشنبه با حضور در مرکز آفرینش های هنری، در

- مجتمع به نمایش در آمده است
- در این نمایشگاه همچنین خوابگاه
- بزرگ ترین ملکه ابریشم جهان که
- می گویند در بم نگهداری می شده و
- صاحب رگه ۱۱ هزار متری بوده نیز در
- معرض دید بازدید کنندگان قرار داده
- شده است.
- کابوایی ضمن یادآوری این نکته که
- در زمان های دور دشمنان اقتصادی
- ایران این پيله و این ملکه را منفجر کرده
- اند و نام (بم) وجه تسمیه این انفجار
- است گفت: شرطی که یونسکو برای
- اختصاص این مبلغ گذاشته این است
- که این مرکز برای همیشه به نام
- زرتشتیان باقی بماند.

- نماینده ی پاره وقت ایران در سازمان -
- یونسکو که مدت ۱۲ سال متوالی است
- که به این سمت مشغول وظیفه است،
- اخیرا مجوز این طرح و هزینه کردن آن
- را برای دولت جمهوری اسلامی ایران و
- استانداری کرمان اخذ کرده است.
- کابوایی با اعلام این که به محض
- آماده شدن قرارداد این پروژه آن را
- جهت آگاهی همه ی انجمن های ذینفع
- در اختیار انجمن زرتشتیان تهران قرار -
- خواهد داد گفت: از سوی این سازمان
- به عنوان رابط سازمان ها و انجمن های
- زرتشتی معرفی شده است.
- در نمایشگاهی که از دو هفته پیش
- در چین برپا شده است، ماکت این

- سازمان یونسکو برای بازسازی
- بازارچه تیمچه و سرای زرتشتیان بم
- بودجه ای معادل ۴۰ میلیون دلار
- تصویب کرده است.
- منوچهر کابوایی دستجردی با اعلام
- این خبر در جمع مهندسين زرتشتی در
- محل انجمن زرتشتیان تهران گفت: این
- مبلغ از طریق وزارت امور خارجه در
- اختیار میراث فرهنگی کشور قرار داده
- شده است تا با نظارت استانداری کرمان
- و با حضور صاحبان محل جهت اجرای
- مرکز جلسات جهانی تبادلات ابریشم در
- طول ۴۰۰۰ سال، مورد استفاده قرار
- گیرد.
- مهندس دکتر مسعود ابراهیم شاه

- بازار تیمچه و سرای زرتشتیان
- بودجه ای معادل ۴۰ میلیون دلار
- تصویب کرده است.
- منوچهر کابوایی دستجردی با اعلام
- این خبر در جمع مهندسين زرتشتی در
- محل انجمن زرتشتیان تهران گفت: این
- مبلغ از طریق وزارت امور خارجه در
- اختیار میراث فرهنگی کشور قرار داده
- شده است تا با نظارت استانداری کرمان
- و با حضور صاحبان محل جهت اجرای
- مرکز جلسات جهانی تبادلات ابریشم در
- طول ۴۰۰۰ سال، مورد استفاده قرار
- گیرد.
- مهندس دکتر مسعود ابراهیم شاه

- سازمان یونسکو برای بازسازی
- بازارچه تیمچه و سرای زرتشتیان بم
- بودجه ای معادل ۴۰ میلیون دلار
- تصویب کرده است.
- منوچهر کابوایی دستجردی با اعلام
- این خبر در جمع مهندسين زرتشتی در
- محل انجمن زرتشتیان تهران گفت: این
- مبلغ از طریق وزارت امور خارجه در
- اختیار میراث فرهنگی کشور قرار داده
- شده است تا با نظارت استانداری کرمان
- و با حضور صاحبان محل جهت اجرای
- مرکز جلسات جهانی تبادلات ابریشم در
- طول ۴۰۰۰ سال، مورد استفاده قرار
- گیرد.
- مهندس دکتر مسعود ابراهیم شاه

- سازمان یونسکو برای بازسازی
- بازارچه تیمچه و سرای زرتشتیان بم
- بودجه ای معادل ۴۰ میلیون دلار
- تصویب کرده است.
- منوچهر کابوایی دستجردی با اعلام
- این خبر در جمع مهندسين زرتشتی در
- محل انجمن زرتشتیان تهران گفت: این
- مبلغ از طریق وزارت امور خارجه در
- اختیار میراث فرهنگی کشور قرار داده
- شده است تا با نظارت استانداری کرمان
- و با حضور صاحبان محل جهت اجرای
- مرکز جلسات جهانی تبادلات ابریشم در
- طول ۴۰۰۰ سال، مورد استفاده قرار
- گیرد.
- مهندس دکتر مسعود ابراهیم شاه

- سازمان یونسکو برای بازسازی
- بازارچه تیمچه و سرای زرتشتیان بم
- بودجه ای معادل ۴۰ میلیون دلار
- تصویب کرده است.
- منوچهر کابوایی دستجردی با اعلام
- این خبر در جمع مهندسين زرتشتی در
- محل انجمن زرتشتیان تهران گفت: این
- مبلغ از طریق وزارت امور خارجه در
- اختیار میراث فرهنگی کشور قرار داده
- شده است تا با نظارت استانداری کرمان
- و با حضور صاحبان محل جهت اجرای
- مرکز جلسات جهانی تبادلات ابریشم در
- طول ۴۰۰۰ سال، مورد استفاده قرار
- گیرد.
- مهندس دکتر مسعود ابراهیم شاه

سخن نخست

از آغاز انتشار امرداد تا کنون، شاهد برخوردهای بسیاری از سوی مسوولان و دست اندرکاران جامعه زرتشتی بودیم و این برخوردها زمانی جدی تر می شد که بحث خبر و

خبر رسانی به مردم مطرح بود. برخی از آنان همچنان فکر می کنند که "مردم" نباید خیلی از چیزها را بدانند، چرا که به "صلاح" نیست و البته اعتقاد دارند تشخیص این صلاح با خودشان است. برخی نیز با اصل "خبررسانی" مخالفند و عده یی نیز هنوز اهمیت آن را درک نکرده و لزومی برای خبررسانی نمی بینند و همه اینها در حالی است که رسانه ها به ویژه مطبوعات پلی برای رساندن خواسته ها، انتظارات و نظرات مردم به مسوولان جامعه و پاسخگویی، اظهار نظر و توضیح مسوولان به مردم تعریف شده اند.

بیش از دو سال از انتشار امرداد می گذرد، اگرچه بسیاری از مسوولان جامعه زرتشتی نگرش خود را در این زمینه عوض کرده، جایگاه امرداد را به عنوان یک نشریه خبر رسان پذیرفته اند، اما برخی همچنان بر طبل خود می کوبند و در این عصر همچنان "قلدرمنشانه" سعی در ادامه روند خود دارند تا جایی که راه "تندی و تشر" در پیش گرفته و حتی حیطة "ادب" را نیز درمی نوردند.

در دوماه اخیر شاهد برخوردهای زیادی از سوی انجمن زرتشتیان کرمان با خبرنگاران امرداد بودیم. برخوردهایی که با چاپ اظهار نظر مخالف بابت برگزاری بالماسکه در ستون "الوامرداد" رنگ جدی به خود گرفت و با چاپ خبر مخالفت انجمن موبدان با روشن کردن آتش در آتشکده جدید کرمان، رنگ "تندی" به خود گرفت. تا جایی که رییس انجمن زرتشتیان کرمان در برخوردی تند با خبرنگاران امرداد، حتی از فحش و هتاکي نیز کوتاهی نکرد و حتی این حق را به خود داد که وقتی خبرنگار ما از "مسوول" و "مسوولیت" سخن به میان آورد، بگوید: "اینجا هیچ "مسوولی" ندارد. حال چرا خود سمت رییس انجمن زرتشتیان کرمان را به یدک می کشد، جای سوال دارد؟

به هر ترتیب ما وظیفه خبر رسانی خود را انجام خواهیم داد. اما نه از طریق انجمنی که ریاست آن دم از عدم وجود مسوول می زند، بلکه از خبرهایی استفاده خواهیم کرد که از طریق مردم و از گوشه و کنار به گوشمان می رسد. امید که اینگونه مسوولان نیز در رفتار خود تجدید نظر کرده و اصل "پاسخگویی و شفافیت" را برای رسیدن به جامعه یی پیشرفته به رسمیت بشناسند.

ساختمان آتشکده جدید کرمان گشایش یافت



ساختمان آتشکده نوساز کرمان دوازدهم مهر ماه با حضور زرتشتیان کرمانی و مسوولان انجمن زرتشتیان کرمان گشایش یافت.

مهران غیبی، مسوول روابط عمومی انجمن زرتشتیان کرمان در گفتگو با خبرنگار امرداد گفت: با تصویب گردش هفدهم انجمن زرتشتیان کرمان برای ساخت آتشکده و رضایت کوروش غیبی، مسوول ساختمان، پس از سالها ساختمان آتشکده جدید گشایش یافت.

وی افزود: سالها پیش پس از فوت روانشاد هرمز دیار اوشیدری و همسرش که بانیان این آتشکده بودند، کوروش غیبی و کالت انجام تمام امور آن را بر عهده گرفت.

این آتشکده که در مجاورت آتشکده قدیمی - کرمان قرار دارد، دارای ۱۱ کلاس دینی و بخش زیارتگاه در دو طبقه است.

پیمان سپنتا نیز در باره آیین گشایش، گزارش دیگری برای ما فرستاده، در گزارش ایشان

همکاران: آذر نورافروز، کیوان هور، آتوسا ماندگاری، فریا سرداری، شهرزاد دههوند، آتوسا نورافروز، مهین دخت دهنادی، ستاره ماندگاریان، میترا گوشه

در میات رسانه ها

شاعر ملی چه کسی است؟

این روزها روز ملی شعر و ادب و انتخاب شهیرا به عنوان شاعر ملی یکی از بحث انگیز ترین مسائل فرهنگی کشورمان است که در محافل خصوصی و عمومی پیرامون آن از دیدگاه های مختلف گفت و گو می شود. روزنامه همشهری در تاریخ یکشنبه ۱۴ مهرماه گزارشی در مورد شاعر ملی ایران با عنوان « هویت گمشده ملی» به چاپ رسانده و در این گزارش از ۸ نفر شاعر، نویسنده و مترجم در مورد انتخاب شاعر ملی نظر خواهی شده است که اکثریت آنها بر فردوسی و سپس حافظ رای داده اند.

در قسمتی از گفته های عبدالله کوثری، نویسنده و مترجم می خوانیم: به معنای واقعی، یگانه کسی که باید شاعر ملی باشد، بی هیچ تردیدی فردوسی است. ما زبانمان را از - فردوسی داریم چون در دوره ای که بیم آن می رفت که همانند سایر کشورها پس از حمله اعراب، زبان ما هم عربی بشود، فردوسی زبان فارسی را دوباره زنده کرد.

بنابراین زبان فارسی، هویت ملی، گذشته تاریخی و اساطیری در شاهنامه حفظ شده است. من حتی حافظ و سعدی و دیگر بزرگان را با تمامی علاقه ای که به آنها دارم درخور این نام نمی دانم. شاهنامه کتاب هویت ماست.

وی در مورد انتخاب این روز به نام یک شاعر معاصر گفت: از این همه شاعر معاصر، چرا باید شهیرا را انتخاب کنیم؟ او غزلسرای خوبی است و چندین غزل خوب هم دارد. اما توجه اهل کتاب به شاملو بیشتر است.

اگر نظری به تیراژ کتاب های شاعران معاصر بیندازیم در می یابیم که محبوبیت شاملو بیشتر است. در عین حال از میان معاصران حتی شاعری چون شاملو را هم نمی توان به عنوان شاعر ملی نام برد.

وی از انتخاب مصلحتی انتقاد کرد و گفت: این نوع انتخاب در بین مردم پذیرفته نخواهد شد. کوثری در باره مردمی بودن فردوسی گفت: با آن که از سده چهارم، تمامی حکومت ها سعی کردند شاهنامه را سرکوب کنند، اما این کتاب در بین - توده های مردم جای خود را باز کرد و امروز شهروندان ایرانی نام بسیاری از قهرمانان شاهنامه (سهراب، بیژن، رستم، تهمینه، گرشاسب و...) را برای فرزندانشان انتخاب می کنند. واقعا شاهنامه با هویت و هستی ایرانیان عجین شده است. وی یادآور شد که اگر این مسئله را به همه پرسى بگذارند، بیشتر از هر کسی فردوسی انتخاب خواهد شد.

شاد باشید که جشن مهرگان آمد

روزنامه همشهری در تاریخ ۱۶ مهر در نوشتاری به قلم آندرانیک هویان با عنوان « جشن مهرگان از ایران باستان تا کنون...» پس از توضیحاتی در باره ی ایزد مهر و واژه ی مهر و آیین مهرپرستی در ایران باستان، در مورد جشن مهرگان آورده است: هنگام پادشاهی اشکانیان و سپس ساسانیان آیین جشن مهرگان با شکوه و جلال بسیار برگزار می شد. از آهنگ های موسیقی مخصوص مهرگان ساسانی در ادبیات فارسی، نام سه آهنگ به نام های مهرگان، مهرگان بزرگ و مهرگان خردک به جای مانده است. روز جشن مهرگان دارای تقدس خاصی بود. در این روز فریدون پادشاه داستانی ایران زمین بر ضحاک جادو، غلبه کرد و او را در کوه دماوند به زنجیر کشید. در بخش دیگری از این نوشتار می خوانیم: پس از تسلط تازیان بر ایران زمین، از میان جشن های ملی ایرانیان سه جشن بیش از همه مورد توجه قرار گرفت: نوروز، مهرگان و سده. نویسنده در این بخش یکی از علل رواج عیدهای نوروز و مهرگان نزد تازیان را، آزمندی شدید خلفای اموی و عباسی خصوصا معاویه ابن ابی سفیان می داند، چون در هنگام این جشن ها، ایرانیان عادت داشتند به پادشاهان و امیران هدیه هایی تقدیم کنند. هویان می افزاید: پس از روی کار آمدن سلسله های نیمه مستقل و مستقل در ایران، جشن مهرگان شکوه و جلال دوباره یافت. تعصب های ملی که اساس آن را طاهریان و صفاریان پی ریزی کرده بودند و بعدها سامانیان این روحیه را تقویت کردند: در احیای آیین نوروز و مهرگان و دیگر سنت های کهن ایرانیان تاثیر فوق العاده گذاشتند.

پژوهنده روزگار نخست

روزنامه اعتماد در شماره ی یکشنبه ۱۴ مهرماه مطلبی با عنوان «ابراهیم پورداوود پژوهشگر روزگار نخست» به چاپ رسانده است.

ابراهیم پورداوود(۱۳۴۷.۱۲۶۴ ه.ش) متولد شهر رشت در سن ۲۰ سالگی به تهران آمد و کار تحصیل را با طب قدیم آغاز کرد. اما آن را رها کرد و چند ماهی در مدرسه ی آلیانس فرانسه درس خواند. سپس به بیروت رفت و در آنجا زبان و ادبیات فرانسه خواند و همانجا با زنده یاد محمد علی جمال زاده و دکتر مهدی ملک زاده آشنا شد که دوستی آنها تا مرگ پورداوود ادامه یافت.

پورداوود پس از بازگشتی کوتاه به ایران، دوباره به پاریس رفت و در آنجا در رشته ی حقوق نام نوشت، در همانجا بود که با زنده یاد علامه قزوینی آشنا شد. همزمان با جنگ جهانی اول در انتشار روزنامه ی «ایران شهر» در پاریس دست داشت. پس از آن به عراق رفت و «رستاخیز» را منتشر کرد. پورداوود به سال ۱۳۰۳ ه.ق به ایران بازگشت و بعد از دو سال به دعوت پارسیان هند به آن دیار رفت. در آنجا تفسیر گزارش اوستا را آغاز کرد.

پورداوود در سال ۱۳۱۶ به ایران بازگشت و در دانشگاه تهران به تدریس پرداخت. کاری که تا سال ۱۳۴۳ به طول انجامید. مهمترین اثر پورداوود ترجمه و تفسیر اوستا است که در ۹ جلد انتشار یافته است. او در زمینه گوش های ایرانی نیز مطالعاتی انجام داده است و بر کتاب های بسیاری مقدمه نگاشته است. روزنامه ی اعتماد در ادامه یکی از نوشتارهای شادروان ابراهیم پورداوود را در مورد فرهنگ مردم کرد به چاپ رسانده است.

بازرس انجمن زرتشتیان تهران:

بنیان مشورت در انجمن زرتشتیان تهران از بین رفته است

مشورت صورت می گرفت شاید اکنون، وضع به این شکل نبود.

فرامرز پوررستمی نیز در نشست کنکاش یگانگی بر تغییر برخی از بخش های اساسنامه انجمن زرتشتیان تهران تاکید کرد و گفت: انجمن اگر می خواهد به سامان برسد باید یک ساز و کار قانونمند داشته باشد و تا هنگامی که این ساز و کار وجود نداشته باشد انجام کارها یا بر روی روال است و یا از روی سلیقه که در هر دو شکل آن، درستی یا نادرستی کارها مشخص نمی شود.

وی در ادامه افزود: روز دهم آبان، روز انتخاب بازرسین جدید انجمن است و چون نقش بازرس در امر نظارت بر وی روال انجام کارها، بسیار مهم است، شرکت گسترده ی همکیشان در این نشست همگانی می تواند بازرسی با رای بالا و قدرتمند را برای این دوره پدید آورد. همچنین در ادامه ی جریان بازنگری آیین نامه ی احوال شخصییه ی زرتشتیان در نشست های کنکاش یگانگی پیشنهاد های زیر عنوان شد: در مورد ۵ تبصره ی ماده ی

هیربدان جوان نخستین مرحله را پشت سر گذاشتند

عنوان آموزگار کلاس های دینی به کار بگمارند. از دانش آموختگان نیز خواست تا با پر نمودن خلاءهای - موجود، راهنمای مردم و پاسخگوی پرسش های دینی باشند.

این گزارش می افزاید: در متن سوگند نامه، شرکت کنندگان نیمسال نخست دوره ی هیربیدی، با سپاسگزاری از استادان پیمان بستند که در راه طنین افکن ساختن پیام اشوزرتشت در سراسر جهان تلاش کنند و روشن ساختن راه زندگی مردم و ساختن جهانی برابر آرمان های اشوزرتشت را همچون راهی پیش روی خود قرار دهند.

در پایان، موبدیار کوروش نیکنام گزارش کاری از برنامه های دوره ی آموزشی گذشته و آینده ی دانشجویان ارائه کرد و مقام موبد مهربان زرتشتی و روانشاد موبد فریدون زرتشتی را ستود. وی از تمامی استادان و خیراندیشانی که از نظر مادی و معنوی برگزاری این دوره ی آموزشی دینی - فرهنگی را پشتیبانی و هدایت کرده اند با شاخه ی گل قدردانی کرد.

بنا بر این گزارش موبد یار کوروش نیکنام زمان آغاز دوره ی آموزشی تئوری - علمی نیمسال دوم این دانشجویان را آدینه ی هفته ی آینده اعلام کرد.

پس از سال ها دوباره

جشن مهرگان و عروسی شاه پوی گزوار شد



بسیار گسترده بود و بیش از ۶۰۰ نفر در این جشن حضور داشتند.

همچنین باشگاه جوانان زرتشتی یزد و سایر محله های زرتشتی نشین نیز جشن مهرگان را برگزار کردند. خبرنگار امرداد می افزاید: جشن ششمین سالگرد تشکیل انجمن یانشوران مانتره در روز پنجشنبه یازدهم مهرماه با گردمایی هموندان این انجمن در محل انجمن یانشوران مانتره برگزار شد. که این آیین به دلیل کمبود بودجه ساده برگزار شد.

همچنین به گزارش خبرنگار امرداد به دنبال برگزاری انتخابات هیات مدیره ی انجمن زرتشتیان نرسی آباد یزد در روز آدینه پنجم مهرماه هموندان اصلی و جانبین برگزیده شدند. کوروش نوایزدان، بهرام استادمهری، رستم خسرویانی، گشتاسب بهرامشهری، لهراسب رستمی، اردشیر یزدانی و اسفندیار مرادیان به عنوان هموندان اصلی و ارسطو هنرکار، مرزبان قدیر و شهیرار دینیاریان به عنوان هموندان جانبین انتخاب شدند.

سهراب مهرایی نیز به عنوان بازرس اصلی و پوراوندخت حقیقت به عنوان بازرس جانبین برگزیده شدند.

آیین جشن مهرگان پس از گذشت بیش از ده سال در باشگاه مزدیسنا خرمشاه برگزار شد.

در این جشن که برگزار کنندگان آن گروه ره پویان رستم بودند؛ برنامه هایی شامل گاتها خوانی، موسیقی سنتی و پاپ، نمایش، مسابقه، دکلمه، سرود و حرکات موزون اجرا شد.

گفتنی است که استقبال همکیشان از این آیین

به علت فروریختن سقف تالار انجمن زرتشتیان اهواز:

کلاس های دینی در حیاط برگزار می شود

فروریختن سقف تالار انجمن زرتشتیان اهواز باعث شد که کلاس های دینی در حیاط این انجمن برگزار شود.

بارندگی شدید دوباره همان قسمت ، بودجه کافی برای ترمیم آن ندارد و در سال جدید بیشتر برنامه ها را در مکان های دیگر و یا در حیاط این انجمن برگزار کردیم. اما کلاس های دینی احتیاج به فضای بزرگتر دارد و برگزاری آن ها در حیاط مشکلات زیادی را به وجود می آورد و ممکن است با این وضعیت برگزار نشود.

وی در ادامه تاکید کرد تا به امروز هیچ کمکی در زمینه ی بازسازی این مکان به انجمن زرتشتیان اهواز نشده است.



فروریختن سقف تالار انجمن زرتشتیان اهواز

پایه و اساس مشورت و رای زنی در انجمن زرتشتیان تهران از بین رفته و روند تصمیم گیری ها در بین هموندان این انجمن نادرست است.

به گزارش خبرنگار امرداد: در هفتصد و چهاردهمین نشست کنکاش یگانگی، خدامراد مزداپور تنها بازرس کنونی انجمن گردش ۳۹ با بیان این مطلب افزود: بیشتر تصمیم های مربوط به مبالغ سنگین بدون مطرح شدن در کمیسیون های مربوطه و پخته تر شدن مساله، تنها با طرح اولیه آن در نشست هیات مدیره و در فرصت بسیار کوتاه و اندکی گرفته می شوند.

وی در ادامه افزود: این در حالی است که روند درست تصمیم گیری بدین گونه است که باید در ابتدا مسائل در کمیسیون های تخصصی و مربوط به موضوع مطرح شده و سپس توسط رئیس کمیسیون در نشست هیات مدیره عنوان شده تا جوانب بیشتری از آن در نظر گرفته شود و به یک شکل قابل فهم برای همگان و قابل اجرا تبدیل شود. وی ناخشنودی خود را از وضع موجود در انجمن با این پرسش ادامه داد که چطور می شود انجمن در یک جا و برای حل مشکلات جوانان، وجود هزینه ی سنگین را مطرح می کند ولی در مورد بازسازی جشنگاه خسروی با آن مخارج بالا در مدت کمتر از نیم ساعت مساله عنوان شده و به مرحله ی تصمیم گیری می رسد؟! همچنین این گزارش می افزاید: سخنان مزداپور توسط باشندگان نشست مورد تایید و تقدیر قرار گرفت و مهرداد آبادیان یکی از باشندگان با تایید این مطالب گفت: اگر در هنگام استعفای هموندان هیات مدیره نیز گفتگو و

دهم آبان:

انتخاب بازرسان انجمن زرتشتیان تهران

دومین مجمع همگانی انجمن زرتشتیان تهران، با دستور تصویب ترازنامه و بیلان و گزارش مالی سال ۱۳۸۰ و برگزیدن بازرسان قانونی هیات مدیره، دهم آبان برگزار می شود.

به گزارش خبرنگار امرداد، همکیشانی که کارت شناسایی زرتشتی از انجمن زرتشتیان تهران دارند، باامداد دهم آبانماه با حضور در تالار خسروی، سه بازرس قانونی از بین نامزدان احراز این پست را برای یک دوره ی یکساله برمی گزینند. همچنین گزارش مالی و ترازنامه ی سال ۱۳۸۰ هیات مدیره ی گردش ۳۹ انجمن زرتشتیان تهران نیز در این نشست مطرح و به رای همگان گزارده خواهد شد.

بنابر گزارش های رسیده، تا کنون تنها خدامراد مزداپور بازرس کنونی، فرامرز پوررستمی و خدایار مندگاری برای پست بازرسی هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران نامزد شده اند. گفتنی است که مجمع دوم، برخلاف مجمع نخست که با حضور اکثریت (نصف به علاوه یک) رسمیت می یابد، با هر تعداد از باشندگان تشکیل می شود.

این گزارش می افزاید: بسیاری از هموندان هیات مدیره ی انجمن زرتشتیان تهران، از همکیشان تهرانی خواستند تا با حضور در مجمع همگانی، پشتیبان و یاری دهنده ی این انجمن باشند. در مجمع همگانی سال گذشته تنها حدود ۴۰ نفر از همکیشان حضور داشتند.

مهربان پولادی رئیس سازمان جوانان زرتشتی اهواز با اعلام این خبر گفت: صبح روز سی ام فروردین ماه امسال، سقف تالار انجمن زرتشتیان اهواز به دلیل بارندگی های سال گذشته فروریخت.

به گزارش خبرنگار ما این سقف در سال ۱۳۶۵ به دلیل جنگ ایران و عراق و برخورد یک توپ جنگی بر روی آن خراب شده بود که در همان سال ها همکیشان اهوازی با کمک هم آن را ترمیم کردند، اما این - بازسازی اساسی نبود و امسال با

میراث فرهنگی زرتشتیان

بابک سلامتی

آنچه را که در راه پیشرفت و حرکت به جلو بدان نیازمندیم به ما می نمایاند و با آنکه گوشه هایی از آن را بغبار زمان - فراگرفته ولی «بی آن نتوانیم ماند».

در این میان پرسشی باقی است که وظیفه ی ما در برابر این میراث گرانبها چیست؟ میراثی که در یک نگاه و نظر کوتاه می توان چندین جنبه ی آن را برشمرد. کتاب های قدیمی و نسخه های خطی کهن، پوشش سنتی، آلات و - ادوات و وسایل زندگی، عکس ها، نقاشی ها، ظروف و ابزار آیینی و بسیاری از موارد دیگر، آبا و اجداد آنرا ندارند که در یک مجموعه گرد هم آیند؟ آیا ارزش آنرا ندارند که انجمن محترم زرتشتیان تهران ساختمانی را با عنوان موزه یا گنجینه ی میراث فرهنگی زرتشتیان به آن اختصاص دهد؟ از موارد نامبرده هنوز می توان نسخه های خطی را یافت که در گوشه ی کتابخانه ای خوراک موریانه نشده باشد. هنوز از نمادهای فرهنگی زرتشتیان چیزهایی باقی مانده که

«میراث فرهنگی زرتشتیان»... چند ثانیه تأمل بر روی این عبارت می تواند میزان گستردگی و ژرفای معنای آن را در ذهن هر اندیشمندی روشن سازد. بیش از ۲۷۰۰ سال است که زرتشتیان بر گستره ی این خاک زندگی کرده اند. در هر دوره با ادیان و اقوام گوناگونی همزیستی داشته اند. در این همزیستی، به داد و ستد فرهنگی پرداخته اند، گاهی با دیگران آمیخته اند و از آنان بسیار آموخته اند و گاهی از ترس بد اندیشان فرهنگ سوز سر به درون برده اند و از پاک گزند آنان دم بر نیاورده اند.

بیش از ۲۷۰۰ سال است که فرهنگ زرتشتیان در لابلای تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین، غلت خورده، صیقل یافته، در کوره ی حوادث پر شمار آن آبدیده شده و به طور شگفت آوری با نام ایران عزیز پیوند خورده است. اینک این فرهنگ کهن همچون آیینی ای در برابر ماست. آیینی ای که پشت سرمان را، گذشته های دورمان را و هر



در بخش نخست نوشته‌ام اشاره کردم که "مهاجرت" حرکتی است بسیار طبیعی برای بهتر زیستن، که شامل حال تمام موجودات زنده‌ی این کره‌ی خاکی می‌شود. اما باید پذیرفت که به مهاجرت می‌باید به عنوان یک واقعیت نگریست نه یک پدیده‌ی خیالی و لذت بخش، این حرکت به مسافرت‌های به اصطلاح توریستی (تفریحی) تفاوت‌های بسیار دارد. همسفران اولیه‌ی یک مهاجر حداقل برای سال‌های اول را می‌توان دلنگی، تشویش، مشقت، تنهایی، تنگدستی، نابرابری و خستگی دانست. نسل اول و تا حدودی نسل دوم دچار دوگانگی‌های شدید فرهنگی به ترتیبی می‌گردند. احتمالاً نسل سوم به بعد هویت جدید خود را در کشوری که به دنیا آمده به دست می‌آورد، ولی آیا این

۱۰۰ یاد و یادگار

موجود جدید خود را ایرانی و زرتشتی می‌داند و می‌نامد؟ گاهی به خود دلداری می‌دهم که شاید ما مهاجران نوپا هم بتوانیم مانند اجدادمان که به هندوستان مهاجرت کردند و توانستند پس از سالیان دراز فلسفه اشو زرتشت را نسل به نسل حفظ کنند، سدره و کشتی به تن داشته باشند و نام پارس را بر خود زنده نگه دارند، عمل کنیم؟ بعد می‌اندیشم اینان همه ناگزیر به یک منطقه (گجرات هند) مهاجرت کردند و تا آنجا که توانستند دور هم زندگی کردند. اما مهاجرین کنونی هر کدام به سمتی از این کره خاکی پرتاب می‌شوند، پس عاقبت کار چه خواهد شد؟ در اینجا اجازه می‌خواهم چند نکته کلیدی را برای کسانی که قصد مهاجرت دارند بنویسم؛ شاید در تصمیم‌گیری بهتر کمکشان باشم. هر یک از ما قبل از دور شدن از خانواده و وطن بهتر است به دو سوال اساسی جواب دهیم:

۱. به کجا می‌روم؟ آیا کشور مقصد را از نظر جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌شناسم؟ یا فقط می‌روم چون خیلی‌ها رفته‌اند!
 ۲. چرا می‌روم؟ آیا هدف خاصی را دنبال می‌کنم که در وطن بدان دسترسی نیست؟ آیا امتیازات مثبت و منفی اینجا و آنجا را در کنار هم قرار داده‌ام؟ کدام کفه سنگین تر است و چرا؟
 عوامل موثر در موفقیت و جا افتادن مهاجر در کشور مقصد را می‌توان به ترتیب گذاشتن سلامتی جسم و روان، سن مهاجر (هر چه کمتر بهتر)، داشتن تعلیم و تربیتی درست، داشتن محبوبیت اجتماعی، دانستن و یا داشتن آشنایی کافی با زمان بیگانه، داشتن تجربه کاری، برخورداری از تحصیلات، داشتن قوم و خویش و یا دوست و آشنا در زمان ورود و قدر مسلم داشتن امکانات مالی، را نام برد.
 ناگفته نماند نحوه مهاجرت از نظر اینکه قانونی صورت پذیرد و یا به شکل

مهاجرت از دیدگاه یک مهاجر

پناهندگی باشد در روحیه مهاجر تاثیر خاص خود را دارد. شاهد بازگشت خانواده‌های زیادی از کشورهای خارج به ایران بوده‌ام. آنها زندگی را خارج را نپسندیده و با شجاعت و سرافرازی دوباره به وطن خود مراجعت کرده‌اند. درود من بدرقه راه این افراد مصمم و شجاع باد. در آخر از همکیشان و هم وطن عزیزم می‌خواهم که اگر خاطره و یا تجربه‌ای در رابطه با مهاجرت خود یا فرزندشان می‌دانند که می‌تواند چراغ راهی برای دیگر دوستان باشد، حال چه خوش و چه ناخوش سعی بر درج آن بنمایند.
 بی‌تفاوت از کنار یکدیگر گذر کردن، کار ما نیست، چرا که نیاکان و تاریخ ما درس‌های بسیاری به ما داده‌اند.
 سروده اشو زرتشت را سرمشق زندگی قرار می‌دهم:
"خوشبختی از آن کسی است که خوشبختی خود را در خوشبختی دیگران جستجو کند."
 پیروز باشید

www.whatis.techtarget.com
 آریتا خوشرو
 در گذشته‌ای نه چندان دور، بیشتر مردم نمی‌دانستند حتی مودم چیست چه رسد به تکنولوژی Push یا Hyper Link.
 اکنون این واژه‌ها در فرهنگ عامه مردم جای گرفته و واژه‌های جدید نیز به سرعت از دنیای فضانوردان به دنیای مردم عادی راه می‌یابند. اگر می‌خواهید در این بازی برنده شوید یا بدانید که مفهوم http، telephony یا SQL چیست و تصمیم گرفته باشید با مسائل مربوط به اینترنت و کامپیوترها آشنا شوید، احتمالاً پاسخ خود را در سایت whatis.com خواهید یافت.
 در واژه نامه اینترنتی whatis.com، تمام تعاریف از active گرفته تا WAIS وجود دارد و این واژه نامه به یادگیری سریع معانی جدیدترین واژه‌های فنی سهولت می‌بخشد. طبقه‌بندیهای مختلف این سایت به شما کمک می‌کند تا سریعتر به مفهوم واژه مورد نظر، نحوه نوشتن آن و غیره دست یابید.

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

مردم
 تاج گوهر کوچکی (خادم)

رودر بایستی

خون گیری از همکیشان بزدی در کوچه و خیابان مثل اینکه هنوز هم بازتاب دارد. پس از آن که در دو شماره‌ی پیش، گزارشی از این خون گیری نوشته شد، همکیشی دلسوز، دیدگاه خود را طی نامه‌ی کوتاه برای ما نوشته است. اما افسوس که این نوشته بدون نام به دست ما رسید. به هر حال سیاست‌گذاریم و خوشحالمی که هنوز هستند افرادی که برای جامعه‌ی خود هم دل می‌سوزانند و هم بی تفاوت نیستند.
 نامه‌ای هم از **بیمن اسپننا** از کرمان دریافت کرده‌ایم. ایشان با انتقاد از وضع غیر بهداشتی پذیرشگاه پارسایی تهران در ادامه نوشته‌اند:
 "... حاضر به همکاری و تأمین مقداری از مایحتاج پذیرشگاه پارسایی تهران هستم. در این زمینه با یکی از اعضای انجمن زرتشتیان تهران نیز صحبت کرده‌ام. اگر انجمن تهران شروع به تعمیرات بکند مقداری از وسایل مورد نیاز آنجا را تأمین خواهد کرد. تا از این بی‌آبرویی برای جامعه زرتشتی به خصوص تهران که مرکز می‌باشد بیش از این جلوگیری شود. من هر موقع به تهران سفر می‌کنم در یکی از هتل‌ها به سر می‌برم اما چون می‌خواهم در ک محیط زرتشتی باشم چند ساعتی را نیز به آنجا می‌روم اما به حدی کثیف است که من در برگشت لباس‌هایم را ضد عفونی کرده و بدون یک حمام مفصل جرات وارد شدن به منزل را پیدا نمی‌کنم، اما وقتی بیشتر خوشحال شدمی که نامه‌ی تاج گوهر خداداد کوچکی (خادم) به دستمان رسید. خوشحالی ما از آن جهت بود که خانم خادم، منشی انجمن زرتشتیان تهران است. سرانجام یکی از هموندان این انجمن هم دست به قلم شد و مطلبی نوشت. امیدواریم این کار باعث همه گیر شدن نوشتن دیدگاه‌ها بین هموندان انجمن شود.

روزنامه

تاریخ بیهیقه آمده است: ... روز سه شنبه بیست و سوم ذی الحجه، به جشن مهرگان بنشست و بسیار هدیه و نثار آوردند، و شعرا را هیچ نفرمود، و بر مسعود رازی خشم گرفت، و فرمود تا او را به هندوستان فرستادند، که گفتند او قصیده‌ای گفته است و سلطان را در آن نصیحت‌ها کرده ... (باستانی پارسی کتاب «مار در بتکده کهنه».)
 نمی‌دانم در کجا خواندم که تعدادی از شهرها و روستاهای ایران، هنوز هم «مهرجان» (همان مهرگان) نام دارد. کاش «مهرگان» جشن ملی ایرانیان اعلام می‌شد، مثل نوروز

پنج شنبه ۱۱ مهر ۸۱:
 صفحات ویژه روزنامه «همشهری» همیشه خواندنی‌اند. پس از بسته شدن «همشهری ماه»، کادر آن صفحات ویژه را به چاپ می‌رسانند. امروز گزارشی دارد در مورد برگزاری صدمین سال تولد «پوپر» در انجمن حکمت و فلسفه. کارل پوپر از بزرگترین فیلسوفان و نظریه پردازان سیاسی قرن بیستم بود. کتاب «جامعه‌ی باز و دشمنانش» از او بسیار خواندنی است. در همین ویژه‌نامه امروز، مقاله «البر الیمس بر سر ایستاده» از محمد قوچانی و نوشته‌های «نمی‌دانند با او چه کنند» درباره لوایح بحث انگیز دولت، و «ایران میراث دار فقیر» در مورد گردشگری خیلی جالب‌اند، حتما بخوانید.
 اطلاعات امروز هم مقاله‌ای به نام «ماه مهر و روز مهر و جشن فرخ مهرگان» از شاعر ایرانی توران شهریاری چاپ کرده بود.

جمعه ۱۲ مهر ۸۱:
 کتاب «خر در سیاست»، ترجمه و تالیف استاد عزت الله فولادوند را شروع کردم به خواندن. پیشگفتار و بخش اول آن درباره فلسفه‌ی سیاسی کانت را امروز خواندم. کتاب ارزشمندی است. خواندن آن را به شما توصیه می‌کنم. امروز همچنان کتاب کوچک و خواندنی «آرامگاه کورش و باورهای مردم فارس» نوشته‌ی ایران شناس شیرازی استاد جمشید صداقت کیش به دستم رسید.

شنبه ۱۳ مهر ۸۱:
 شماره‌ی جدید مجلات «آبان»، «آفتاب» و «نشر دانش» به دستم رسید. مقالات جالبی دارند، ولی فرصت برای خواندن کم است. روز نامه‌های پنج شنبه را ورق می‌زد، خبری جلب توجه ام را کرد: «گوهر خیراندیش و فیلم ساز جوان، روانه دادگاه بزد شدند» در ماجرای «جشنواره حقیقت» خانم خیراندیش در یک شرایط کاملاً احساسی، پیشانی فیلمساز جوان را که شاگرد همسر مرحومش جمشید اسماعیل خانی بود، روی صحنه بوسید. گرچه هر دو هنرمند از مردم عذر خواهی کردند، اما هر دو را برای باز جویی به دادگاه فرا خواندند.

یکشنبه ۱۴ مهر ۸۱:
 روزنامه‌ها خبر دادند که «احمد محمود» نویسنده پرآوازه‌ی معاصر روز جمعه ۱۲ مهر ماه در اثر عارضه ربوی در گذشت. آنچه محمود را، پس از صادق چوبک، شاخص ترین نویسنده جنوب کرده، و باعث شده تا آثارش قبول عام پیدا کند، قابلیت او در نشان صحنه‌های زندگی همین مردمی است که در سه ربع قرن گذشته، از حیث اقتصادی و سیاسی، همواره در مرکز توجه بوده‌اند.
 احمد محمود در سال ۱۳۱۰ متولد شد و از وی تا کنون رمان‌های «همسایه‌ها»، «زمین سوخته»، «درخت انجیر معابد»، «مدار صفر درجه» و چند مجموعه داستان کوتاه بر جای مانده است.

دو شنبه ۱۵ مهر ۸۱:
 شماره‌ی اخیر نشریه کتاب هفته یادداشتی از محمود دولت آبادی چاپ کرده با عنوان «آن‌ام» این نوشته با تیتیر «تو همانی که نام نداری» در همشهری ۱۰ مهر هم چاپ شده بود. در جایی از این نوشته آمده: «... اما در جنگی که علیه کشور ما آغاز شد و ناگهان تمامی یک ملت، خود را در وضعیت جنگی، دفاعی یافتند، با دریغ بسیار باید بیاوریم که نویسندگان زمانه از عرصه کارزار واپس زده شدند و امکان نخستین یعنی تجربه، مشاهده و دریافت. برای ایشان میسر نشد...»
 امروز تولد سهراب سپهری است. (۱۳۰۷-۱۳۰۹ ش.) «هشت

روز جشنی کودک. کودکان ما در حالی این روز را گرمی می‌دارند که بنا به آمارها، در جهان، بیش از صد میلیون کودک که افزون بر نیمی از آنان را دختران تشکیل می‌دهند، از امکان دستیابی به آموزش ابتدایی محرومند و برای میلیون‌ها کودک دیگر کیفیت آموزش، خوب و مطلوب نیست. ریزوز در راه خانه، کودکی هفت، هشت ساله جلویم را گرفت و از من خواست سوزن (برای خیاطی) بخرم. گفتم تو الان باید در مدرسه باشی، اینجا چه می‌کنی. گفت شناسنامه گرفتم. نمی‌توانم به مدرسه بروم. قدر هر چه داریم بدانیم و شکر نعمت‌های خداوندی را به جای آوریم.

امروز در همشهری مقاله‌ای به مناسبت جشن مهرگان چاپ شده بود. جالب است که نویسنده مقاله ارمنی است با نام آندر نیک هوپان **چهار شنبه ۱۷ مهر ۸۱:**
 نشریه «فرهنگ و پژوهش» که از سوی وزارت ارشاد هر دو هفته یک بار چاپ می‌شود، در شماره‌ی ۹۴ خود نوشته‌ای دارد از خانم مهری بهفر. در قسمتی از این مقاله آمده: «محمد الله مستوفی شاعر و تاریخ نگار اواخر حکومت ایلیخانیان مغول در ایران، نویسنده تاریخ گزیده و نزهت القلوب، کسی است که نخستین تصحیح متن شاهنامه را در قرن هشتم با مقابله در حدود پنجاه نسخه شاهنامه صورت داده...»
 جدیدترین تصحیح شاهنامه فردوسی، تصحیح انتقادی، مصطفی جیحونی است که در پنج مجلد ارائه شده است (انتشارات شاهنامه پژوهی چاپ دوم بهار ۸۰). از خانم مهری بهفر اخیراً جلد اول متن انتقادی و شرح و تفسیر شاهنامه توسط انتشارات بهرمنند به چاپ رسیده است. متن بسیار آراسته و قابل توجهی است.

پنج شنبه ۱۸ مهر ۸۱:
 برای یافتن کتاب درسی در ساعت شلوغ و پر دود شش بعد از ظهر، مجبور شدم خیابان انقلاب روبروی دانشگاه را قدم بزنم. پشت پرترین اغلب کتابفروشی‌ها را که می‌دیدم، چاپ دوم کتاب زرتشت، پیامبر باستانی ایران، نوشته هاشم رضی به چشم می‌خورد. از هاشم توانم «اوستا» و چهار جلد «وندیداد» در این سال‌ها به چاپ رسیده است. در سال‌های ۵۰-۵۲ که در دبیرستان فیروز بهرام درس می‌خواندم، رضی دبیر ادبیات ما بود. در سال‌های اخیر او دخترش فیروزه را از دست داد. «نشر دانش» فصلنامه ادبی، تاریخی، نشریه مرکز دانشگاهی در شماره‌ی آخر (ش ۱۰۱) خود می‌نویسد: «هر چند متأسفانه تاریخ و فرهنگ ایران باستان در سال‌های نخست پس از انقلاب با بی‌مهتری مواجه بود، در سالهای اخیر توجه نسبی به ضرورت جدا نگاه داشتن حوزه فرهنگ از سیاست و اهمیت تاریخ و فرهنگ ایران باستان در شناخت فرهنگ ایران، باعث اقبال مجدد به متون تاریخی دوره باستانی ایران و خصوصاً به مسایل زبانی و فرهنگی این دوره و طرح موضوعات مرتبط با این حوزه در برخی نشریات و تلاش برای جبران تعلیق و تعطیل چندین ساله این وجه مهم از وجوه منشور فرهنگ ایرانی شده است...»

جمعه ۱۹ مهر ۸۱:
 شماره‌ی ۱۱ سال بیستم مجله‌ی «چیستا» امروز به دستم رسید. این شماره ویژه نامه‌ای است برای «ناظم حکمت». این شماره نوشتاری دارد به نام «جان سختی‌های نظام کهن» به مناسبت سالروز انقلاب مشروطه، خواندنی است. اشاره پرویز شهریاری هم مانند همیشه در صفحه اول و دوم جالب است. شماره‌ی «دانش» مردم و نیز به سر دبیری پرویز شهریاری منتشر شد.

کسی کز عشق خالی شد، گرش صدجان بود بی عشق، قفسر ده بیست مرد دست



امروز تمام بعد از ظهر صرف جستجو برای یافتن کتاب «آغاز شهرنشینی در ایران» نوشته یوسف مجیدزاده شد. همه‌ی کتابفروشی‌های روبروی دانشگاه را پرسش کردم، نداشتند. از یکی از کتابفروشی‌ها که پرسیدم: آقا کتاب «آغاز شهرنشینی در ایران» داری؟ به شوخی گفت: مگر شهرنشینی در ایران آغاز شده؟ خسته و ناامید از پیدا کردن کتاب از میدان انقلاب، خیابان کارگر را بیاد بالا رفتم، دیدم در چهارراه بلوار بیک راننده پیکان مسافر کش که هیکل درشتی هم داشت، بیک پلیس راهنمایی لاغر اندام و نحیف را به یاد نامش از آنجا گرفته‌ام! من هم فکر کردم که: «مگر شهرنشینی در ایران آغاز شده؟» امروز روز جهانی ناشنویان است.

شنبه ۶ مهر ۸۱:
 امروز تمام بعد از ظهر صرف جستجو برای یافتن کتاب «آغاز شهرنشینی در ایران» نوشته یوسف مجیدزاده شد. همه‌ی کتابفروشی‌های روبروی دانشگاه را پرسش کردم، نداشتند. از یکی از کتابفروشی‌ها که پرسیدم: آقا کتاب «آغاز شهرنشینی در ایران» داری؟ به شوخی گفت: مگر شهرنشینی در ایران آغاز شده؟ خسته و ناامید از پیدا کردن کتاب از میدان انقلاب، خیابان کارگر را بیاد بالا رفتم، دیدم در چهارراه بلوار بیک راننده پیکان مسافر کش که هیکل درشتی هم داشت، بیک پلیس راهنمایی لاغر اندام و نحیف را به یاد نامش از آنجا گرفته‌ام! من هم فکر کردم که: «مگر شهرنشینی در ایران آغاز شده؟» امروز روز جهانی ناشنویان است.

یکشنبه ۷ مهر ۸۱:
 سروصدای دو لایحه پیشنهادی دولت به مجلس، در روزنامه‌ها و بین مردم بسیار بلند شده. در نخستین واکنش به انتقاد از این لوایح خاتمی گفت: «لوایح دولت را برای احقاق حقوق ملت با جدیت پیگیری می‌کنم». یکی از لایحه‌ها «افزایش اختیارات رئیس جمهور» و دیگری «حذف نظارت استصوابی» است. هر چه فکر می‌کنم، نمی‌فهمم که چرا لایحه اول اصلاً مطرح شد. آیا آقای خاتمی در این مدت شش سال اختیار لازم را نداشت؟ ولی از لایحه دوم خوشم می‌آید!

دو شنبه ۸ مهر ۸۱:
 امسال (۲۰۰۲ میلادی) سال جهانی کوه‌ها و پرویز روز جهانی پاکسازی کوهستان بود. در فرهنگ ایرانی، طبیعت جایگاه ویژه‌ای دارد. در اساطیر ما، به ویژه در اوستا و شاهنامه کوهستان مظهر استقامت و پایداری است. دماوند، در فرهنگ زرتشتی، هنوز هم مقدس است؛ ضحاک مار دوش مظهر بیداد در آنجا اسیر است. روز روزگداشت مولوی است. «کتاب شناسی مولوی»، اخیراً توسط مرکز نشر دانشگاهی چاپ شده، کار قشنگی است.

سه شنبه ۹ مهر ۸۱:
 روزنامه «اعتماد» روز یکشنبه گذشته نوشت: «... در حالی که امید می‌رفت باز جویی از سید علی صالحی، شاعر عضو هیات دبیران کانون نویسندگان ایران پاپان پذیرفته و مساله منتفی گردیده باشد، مجدداً با خبر شدیم وی را برای سومین بار به دادگاه احضار کرده‌اند...» از سید علی صالحی، کتاب شعر «ارابه ران خورشید» در باره اشو زرتشت و کتاب دیگر شعر او: «سروده‌های گائها» خواندنی است. دیروز روزنامه‌ی «همشهری» در صفحات ویژه‌ی خود با تیتیر «شعر ملی دولتی شد» و با چاپ طرح بسیار زیبایی از فردوسی و شهریار، در گفتگو با صاحب نظران، شاعر ملی ایران را «فردوسی» معرفی کرد. به راستی که روز تولد «فردوسی» به عنوان ملی‌ترین و انسانی‌ترین شاعر ایران را می‌توان روز شعر و ادب نامید. روز جهانی سالمندان... ما هر روز در اوستای روزانه، از استادان و پدران و بزرگان یاد می‌کنیم.

چهارشنبه ۱۰ مهر ۸۱:
 جشن مهرگان است. روز مهر از ماه مهر. روز داد و روز پیروزی بر بیداد. کمتر از دره‌نی، پست مشو، مهر روز
 تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زان، حافظ

شاعری به نام «مسعود رازی» در روز جشن مهرگان (۲۷ سپتامبر ۱۰۳۸ م) به قول تاریخ بیهیقه در حضور سلطان مسعود غزنوی، شعری را می‌خواند، که مضمونش دادخواهی و نجات ایران است. در

معرفی واژه های اوستایی

اَبِتْر پَیْتی، هبَرید: به معنی آموزگار است و مرکب از دو جزء - اَبِتْر به معنی آموزش و تعلیم ؛ و پَیْتی به معنی مولا و صاحب و دارنده که در فارسی «بد» شده و در آخر یک دسته لغات مرکب مانند : موبد و سپهبد دیده می شود .

در زمان ساسانیان پیشوایان دینی عبارت بودند از موبدان، هبَریدان، دستوران، داوران؛ و هر گروه وظایف معین داشتند. هبَرید در اصل سمت استادی و رهبری مردم را داشته و بعدها به نگهبان آتش نیز اطلاق شده است. ولی در هیچ جای اوستا هبَرید و اَبِتْر پَیْتی به معنی آترپان و نگهبان آتش یا موبد نیامده و این معنی بعدها به آن اطلاق شده است. این واژه در فرس هخامنشی اثیریت، در پهلوی اهریت و امروزه هبَرید شده است .

فیروزه موندادی

مسابقه مهر

با تشکر از عزیزانی که با قلبهای مهربانشان، پیامهای مهر و دوستی خود را برای ما ارسال نمودند.

به روز مهر همه با هم یگانه محبت را بجوید عاشقانه به هر جا و مکانی مهربانی نمایید پیشه ی خود صادقانه به مثل گوهری نایاب و نادر به روی مهر تو پیوندی دگر بند بگو این دل تو را هست آشیانه محبت را به ماه مهر در آمیز چه زیبا روز باشد عارفانه چه خوش باشد در این مهر ایزد پاک محبت پیشه سازی بیکرانه تو با این شیوه ی مهر و محبت دعایم کن محبت را فزونی مکن امروز و فردا را بهانه همیشه رهروی راه مهر باش به روز مهر و ماه مهر دگر بار به پا گردیده جشنی شادمانه به تو این جشن مهرایزد خجسته به آن عهدی که بستی جاودانه گودرز موندادی مهر ماه ۸۱ مهر و جشن مهرگان

کامل ترین و زیباترین عشق در جهان هستی است. و مهرگان روز رستاخیز این عشق است، که تمام انسانهای اهورایی و مزدایی را گرد پرچم کاوه جمع می کند تا کمال و جاودانگی را در یابند و از آن بهره مند گردند .

چون ماه مهر از راه می رسد روز مهر پیام مهربانی می دهد و قلبهای مهربان این روز را چون شوق نواختن خود بر دیواره دل شادباش گفته و جشن می گیرند، پس باید تا اوج سبز بودن و سبزه بستن را به تصویر کشید ، تا شاپرک خیالمان از روی رخساره زرد و قرمز برگهای درختان که خجل از مهربانی ماه مهر گشته اند نبرد . باید زیبایی ماه مهر و روز مهر را فهمید تا جشنی به پا داشت بنام مهرگان ، باید سبزه بودن را فهمید ، باید مهربانی را آموخت ، باید دست در دست هم داد و یکدل و یکزبان شد و آن روز را جشنی به پا داشت و نام آن را مهرگان نهاد ، چون نیاکانمان نیز این را فهمیدند . فرناز افتخاری

داستان کوتاه او

رنگهای سفید و آبی برای نمایاندن اهریمن است. آنها هم گفته مراتبید و باور کردند و به آن اعتقاد یافتند. آنان گفتند : با بیرون کردن او از خانه خواهد مرد، چون به خانه های دیگر پناه نخواهد برد. من او را کشتم ، اما فکر او را نه . تنها توانستم جسمش را نابود کنم . اکنون تمام اجزای خانه ، تمام آدمها و هر چه هست فکر او و مانند اوست . چون خانواده، دوستانش ، همچنین آدمهای دیگر آنگونه پندار و کرداری دارند. اکنون دریافتم : او را کشته ام اما در واقع خود مردمم . و حال در برزخ خویش او را با تمام عظمتش به یادمی آوردم و گفته هایش را نیز.

رویدادهای تاریخی شاهنامه در مهرماه

در ماه مهر دو رویداد مهم رخ داد. نخستین روز مهر، روز بر تخت نشستن فریدون است و دومین رویداد شانزدهم مهر و بنیاد نهادن جشن مهرگان است. در نخستین روز مهر ، چون لهراسب ، از نژاد کی قباد از خیر ناپدید شدن کیخسرو و همراهانش



دو نگاه موازی

ایلات و عشایر از آن جهت است که در دنیای مدرن و جوامع شهری کنونی تنها گروه هایی هستند که از تعرض مدرنیسم نسبتا در امان مانده و در عین حال از مواهب آن بی نصیب و تنها شکلی از زندگی است که علی رغم ورود برخی عناصر جدید جنبه های سنتی آن قوی و پایدار مانده است .

به نظر می رسد تغییر و دگرگونی اجتناب ناپذیر است اما اگر بدون همسازی با عناصر بومی رخ دهد، نتیجه ای جز تخریب نخواهد داشت. حفظ اشکال متنوع زندگی در یک منطقه نه تنها منافاتی با تغییر ندارد بلکه از انقضای تمدن بشری جلوگیری می کند» تصاویر وی نشان دهنده ی زندگی عشیره همگام با ورود صنایع شهری، ورود ماشین ، تلویزیون ، برق و ... بود. عکس هایی که در پایان بازدید کردیم ، تصاویری از جنوب و مردم آن بود که حجت الله



سپهوند گرفته وی که عکاس روزنامه ی حیات نو نیز می باشد توانسته بود تصاویری را که شاید هر روز تکرار می شوند به گونه ای در قاب بگذارد و به همه نشان دهد که این تصویر و این حضور در آنجا زیباست و زیبایی آفرین .

او به گفته ی خودش با پا گذاشتن به این محیط دنیای خود را دچار تغییر می کند و من فکر می کنم که با خلق این تصاویر توانسته است دنیای هر بیننده ای را برای لحظه ای تغییر دهد. این درد مردمی را به تصویر کشیده که جنگ با عراق را فراموش نکرده اند و در تلاش برای بازسازی و با دیدن تصویر در آوردن پالایشگاههای جنوب قصد نمایش همیت و غیرتی را دارد که در رگهای مردم جنوب وجود دارد .

در پایان عشق به وطن و ایمان به کار چیز است که در تصاویر تمام این نمایشگاهها دیده می شود و من یقین دارم که این همان حد فاصل دو دیدگاه موازی لاکهارت و این عکاسان هنرمند کشورمان بود.

زمانیکه لارنس لاکهارت در هشتاد سال قبل با نگاهی انسان دوستانه ، فرهنگ و سنت ایران قدیم را در تصاویر ، جاودانه ساخت شاید هیچ تصور نمی کرد که این تصاویر جرقه ای را در ذهن های نسل امروزی ما روشن کند تا با نگاهی تازه و از دید یک ایرانی در عکس هایی دیگر از همان مسیر به شکار لحظه ها بپردازند و این در واقع همان تعریف «دو نگاه موازی» است .

نمایشگاه عکس دو نگاه موازی بیان دیدی متفاوت از یک مسیر توسط چهار عکاس جوان کشورمان، خانم نغمه جابری ، آقایان حجت الله سپهوند، حسن غفاری و جعفر نصیری شهرکی در مقایسه با دید لارنس لاکهارت عکاس و مردم شناس بود و این همان چیزی است که ما را برای تهیه ی گزارش از این نمایشگاه مشتاق کرده بود .

در نگاه اول از این نمایشگاه دو نوع عکاسی جدید و قدیم ، کاملا متمایز از یکدیگر به چشم می خورد . عکس های قدیمی که به صورت سیاه و سفید و مربوط به گذشته ی ایران بود، به نوعی بیانگر محیط زندگی شهری و مردم در گذشته نزدیک بود و شهرهای مختلف ایران از جمله مشهد، بندر ترکمن ، همدان ، تهران، الموت را نشان می دادند که قدیمی ترین عکس مربوط به تاریخ ۱۳۰۵ بود .

عکس های رنگی در کنار این عکس ها که جلوه ی زیبایی داشتند متعلق به عکاسان کشورمان بود و زندگی مردم را در جنبه های مختلف نشان می داد. عکس هایی که حسین غفاری

ابتدا به تماشای تصاویر زیبایی که جعفر نصیری شهرکی از شهر الموت گرفته بود رفتیم . ترکیب رنگ ها در عکس ها ، انسان را در خود غرق می کرد و من مطمئن بودم که عکاس آن عشق زیادی به آن منطقه داشته چون تصاویر همه ی آن عشق را به بیننده منتقل می نمود و این چیزی بود که جعفر نصیری شهرکی آن را عشق به طبیعت بکر نامید، عشقی که از کودکی در وجود وی بوده و با او رشد کرده بود. خودش الموت را سرزمین گیاهان دارویی ، سرزمین قلعه ها و مردمش را مردمی سخت کوش می داند و این چیزی بود که در عکس های لاکهارت وجود نداشت . او از تاثیر عکاسی بر پیشرفت مهرگان شانزدهمین روز از مهرماه

فریدون چون بر تخت می نشیند جشنی نو برپا می نماید. فرزنانگان شادگام هر یک با جامی از یاقوت در کنار شاه نو نشسته و می می نوشیدند. آنگاه شاه دستور داد تا آتشی بزرگ بیفزورند و بر آرامش تن و خوردن خوراک خوب در جشن ها بود.

اکنون « جشن مهرگان» در ماه مهر یادگار این شاه است که از رنج و سختی - در زمان او اثری نبود. او پانصد سال پادشاهی کرد و هرگز بدی را بنیاد نهاد. دل از داوری ها بپرداختند به آیین یکی جشن نو ساختند نشستند فرزنانگان شادگام گرفتند هر یک ز یاقوت جام می روشن و چهره ی شاه نو جهان گشت روشن سیر ماه نو بفرمود تا آتشی آفر وختند همه عنبر و زعفران سوختند پرستیدن مهرگان دین اوست تناسلی و خوردن آیین اوست کنون یادگار است از او ماه مهر بگوش و به رنج ایچ نمایا چهر نام نویسنده

ایران زمین

سنگی کشف شده که معرف قسمتی از امور اجتماعی و مهندسی عهد ساسانی است . در این تصاویر وضع زنی نشان داده شده که بر بالشی تکیه کرده و بادی زنی در دست دارد و نیز بانویی که در حال نواختن چنگ است و تصاویر دیگری از رامشگران عهد ساسانی که در موزه های دنیا موجود است که در آنها سه آلت موسیقی یعنی بربط، سرنا و قاشقک نشان داده شده است. گفتمی است که در نقش طاق بستان در شکارگاه خسرو پرویز ۵ صف دیده می شود و در بالا قایقی است که بانوان بسیار در آن نشسته و به خواندن و کف زدن مشغولند . در شاهنامه نیز از می و رامشگران نیز بسیار سخن رفته است .



به نمایش گذاشته بود تضاد زیبایی را میان زندگی سنتی و مدرن نشان می دادند. تصاویر از فضای عشایری بویر احمد و - تحولات قدم به قدم آنها بود. وی به عنوان یک ایلاتی تبار این تحولات را به این صورت توصیف نمود: « جذابیت زندگی



اندرز آدریاد ماراسپند: این اندرز از انوشه روان آدریاد مهراسپندان است، آدریاد را فرزندی نبود پس خداوند را ستایش نموده اولادی خواست دبری نگذشت که پسری یافت و او را زرتشت نام نهاد و او را چنین نصیحت داد: ای پسر من نیکوکار باش نه بدکار زیرا زندگانی انسان جاودان نیست و هیچ چیز از کردار نیک لازمتر نمی باشد . آنچه را گذشته است فراموش کن و برای آنکه نرسیده رنج و اندوه مبر . به رئیس و سردار خود گستاخ مباش و در خدمت استوار بایست . آنچه بر خود نیک ندانی به دیگران نیک مشمار . با رؤسا و دوستان به یگانگی رفتار کن . خود را به بندگی به کسی مسپار . هر کس با تو کینه ورزد و خشم گیرد از او کناره جو همیشه و هر جا توکل به خداوند داشته باش و دوستی با کسی کن که به تو بیشتر سود رساند . به فرمان یزدان و امشاسپندان رفتار و کوشش نما . هر چه شتوی به عجله و بیهوده مگوی . زن و فرزند خود را از تحصیل علم باز مدار تا غم و اندوه به تو نرسد و پیشیمان نشوی . بیهوده مخند . قبل از جواب دادن تفکر کن . هیچکس را تمسخر مکن .

دیار مهر

قایقی در بر که ای کوچک اما با صفا کوهسار و چشمه ای تک درخت بید لرزان نزد آن هم کلبه ای آن طرف هم نارون سادگی آواز غوکان روی آب پرواز مرغان زندگی آغاز باران پر زدن در کوهساران مریم سلیمی

مرگ پایان کبوتر نیست

اینبار قلمش تنها یارای نگاشتن داستان رفتن را داشت . داستانی که قهرمان اصلی اش، خودش بود. اینبار داستانش ، داستانی کوتاه بود با پایان غم انگیز مرگ گل سرخ . با واژه هایی بس سترگ ، واژه هایی که بوی رفتن را می داد . آری ، داستان رفتنش را پس از ۸ روز ، در بیمارستان مهرداد به پایان برد ، و نامش را بر برگ دفتر اذهان نوشت. احمد محمود چهره ی آشنای ادبیات ایران در سن ۷۱ سالگی در اثر عارضه ی ریوی در روز آدینه ۱۴ مهر ماه در بیمارستان مهرداد در گذشت .

از وی تا کنون رمان های « همسایه ها»، « زمین سوخته » ، « درخت انجیر معابد » ، « مدار صفر درجه » و چند داستان کوتاه به نام های « مدال » « دریا هنوز آرام است » ، « بیهودگی » ، « دیدار » ، « زائری زیر باران » و « پسرک بومی » بر جای مانده است . احمد محمود - این یادگار دیرین - قلم گرمش را با جوهر سرخ وجودش برای ایرانیان به یادگار گذاشت و دفتر هستی اش را آرام بست . روانش شاد باد

شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است

آفرین بر سخن دلکش و لطف سخنش این ماییم که می خواهیم او (حافظ) را زمینی یا آسمانی ببینیم . شعر او چون دوردست افق بوسه گاه آسمان و زمین است . آسمانی ست ، زیرا آنچه از خوبی و پاکی و عدل و امن می جوید درین تیره خاکدان نمی یابد . و زمینی ست، زیرا آنچه از ناز و نوازش و نوا می خواهد در همین سایه ی بید و لب کشت خواهیم است . پس ، اشاره اش به دورگاه آسمان است و چشم و دلش در زمین می گردد . هوشمندی ست تشنه ی دانستن راز دهر و معمای وجود نگران سرنوشت انسان و آزرده از رنج و ستمی که به ناروا بر فرزند آدم می رود . نویسنده : هوشنگ ابتهاج

تهیه و تنظیم : کوروش قاسمیان « یادى از گذشته پر افتخار ایران »